



انتشارات دانشگاه تهران
۳۶۰۹

بن‌مایه‌های دینی ایران باستان در شاهنامه

تألیف

دکتر کلثوم غضنفری

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بن‌مایه‌های دینی ایران باستان در شاهنامه

۶۰۲۷۲

تألیف

دکتر کلثوم غضنفری

(عضو هیأت علمی دانشگاه تهران)



شماره مسلسل ۸۳۶۴

شماره انتشار ۳۶۰۹

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	غضنفری، کلثوم، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	بن‌مایه‌های دینی ایران باستان در شاهنامه / تألیف کلثوم غضنفری.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۲۸۶ ص.
فروست	انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۳۶۰۹.
شابک	978-964-03-6727-8
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه - نقد و تفسیر.
موضوع	دین در ادبیات.
موضوع	ادبیات فارسی و اوستا.
موضوع	دیوشناسی زردشتی.
شناسه افزوده	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۱۶ ق. شاهنامه . شرح.
شناسه افزوده	دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات
رده‌بندی کنگره	۸۳۹۴ ب ۸ ج ۶ / PIR ۴۴۹۵
رده‌بندی دیویی	۸۱۱ / ۲۱ ق ۸
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۵۵۳۳۲

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود.

ISBN:978-964-03-6727-8



9 789640 367278

عنوان: بن‌مایه‌های دینی ایران باستان در شاهنامه

تألیف: دکتر کلثوم غضنفری

ویراستار: فرشاد رضوان

نویت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۱۵۰۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

مقدمه.....	ز
فصل اول.....	۱
۱- فردوسی و شاهنامه.....	۱
۱-۱- فردوسی.....	۱
۱-۲- شاهنامه.....	۳
۱-۳- منابع شاهنامه.....	۹
۱-۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۷
فصل دوم.....	۱۹
۲- ظهور زردشت.....	۱۹
۲-۱- ظهور زردشت در شاهنامه.....	۱۹
۲-۲- جنگ مذهبی ایران و توران.....	۲۷
۲-۳- سرو کश्مر.....	۳۵
۲-۴- اوستا.....	۳۶
۲-۵- دین به و دین پاک.....	۴۱
۲-۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۴۵
فصل سوم.....	۴۷
۳- باورهای زردشتی.....	۴۷
۳-۱- مفهوم خدا.....	۴۷
۳-۱-۱- اصطلاح اورمزد.....	۵۲
۳-۲- امشاسپندان.....	۵۴
۳-۳- اهریمن.....	۵۸
۳-۳-۱- انسان‌های اهریمنی.....	۶۲
۳-۳-۲- فریفته شدن توسط اهریمن.....	۶۳
۳-۴- دیو.....	۶۶
۳-۴-۱- دیوان مازندران.....	۷۱
۳-۴-۲- شکل و خصوصیات ظاهری دیوان.....	۷۴

- ۷۵ ۳-۴-۳- فریفته شدن توسط دیوان
- ۷۸ ۳-۴-۴- دیوان شاهنامه
- ۸۰ ۳-۴-۵- آز و نیاز
- ۸۵ ۳-۵-۵- آفرینش جهان و انسان
- ۸۸ ۳-۵-۱- گیومرت، نخستین انسان یا نخستین شاه؟
- ۹۰ ۳-۶-۶- جادو
- ۹۳ ۳-۷-۷- پری
- ۹۵ ۳-۸-۸- فرّه
- ۹۶ ۳-۸-۱- فرّه کیانی یا فرّه شاهی
- ۹۹ ۳-۸-۲- قابل مشاهده بودن فرّه
- ۱۰۰ ۳-۸-۳- فرّه ایزدی سحر و جادو را باطل میکند
- ۱۰۱ ۳-۸-۴- فرّه پهلوانان
- ۱۰۱ ۳-۸-۵- فرّه دیانت زردشتی
- ۱۰۲ ۳-۸-۶- فرّه موبدان
- ۱۰۲ ۳-۸-۷- فرّه ایرانیان
- ۱۰۳ ۳-۹-۹- خرد و دانش
- ۱۰۵ ۳-۹-۱- ستایش خرد و خردمندان
- ۱۰۷ ۳-۹-۲- تناقض دین و خرد در شاهنامه
- ۱۰۹ ۳-۹-۴- دانش
- ۱۱۰ ۳-۱۰-۱۰- آب
- ۱۱۳ ۳-۱۱-۱۱- شادی و خوشی
- ۱۱۴ ۳-۱۲-۱۲- ستم و بیداد
- ۱۱۶ ۳-۱۳-۱۳- راستی و دروغ
- ۱۱۸ ۳-۱۴-۱۴- اصول سه‌گانه زردشتی
- ۱۱۸ ۳-۱۴-۱- اندیشه نیک
- ۱۱۹ ۳-۱۴-۲- گفتار نیک
- ۱۱۹ ۳-۱۴-۳- کردار نیک
- ۱۲۰ ۳-۱۵-۱۵- استفاده از اعداد مقدس
- ۱۲۲ ۳-۱۶-۱۶- کین جستن در شاهنامه تکلیفی ایزدی است

۱۲۵	۱۷-۳- مرگ
۱۲۸	۱۷-۳-۱- در جست و جوی چاره‌ای برای مرگ
۱۲۸	۱۷-۳-۲- پل چینود
۱۳۰	۱۷-۳-۳- بهشت و دوزخ
۱۳۳	۱۸-۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۳۵	فصل چهارم
۱۳۵	۴- آیین‌های زردشتی
۱۳۵	۴-۱- آتش
۱۳۵	۴-۱-۱- تقدس آتش و نثار به آن
۱۳۸	۴-۱-۲- آتش نیایش
۱۳۹	۴-۱-۳- استفاده از آتش به عنوان قبله
۱۴۱	۴-۱-۴- استعمال چوب‌های خوشبو برای آتش
۱۴۱	۴-۱-۵- اصطلاح آتش‌پرست
۱۴۲	۴-۱-۶- آتشکده‌ها
۱۵۳	۴-۲- آفرینگان
۱۵۴	۴-۳- ازدواج
۱۵۵	۴-۴- خویدوده (ازدواج با نزدیکان)
۱۵۷	۴-۵- باژ و برسم
۱۶۶	۴-۶- جشن‌های نوروز، مهرگان و سده
۱۶۷	۴-۶-۱- جشن نوروز
۱۷۱	۴-۶-۲- جشن مهرگان
۱۷۲	۴-۶-۳- جشن سده
۱۷۴	۴-۷- دخمه
۱۷۹	۴-۷-۱- آماده کردن جسد برای قرار دادن در دخمه
۱۸۰	۴-۷-۲- سوگواری و شیون
۱۸۱	۴-۸- پیمان بستن و سوگند خوردن
۱۸۵	۴-۸-۱- چیزهایی که به آنها سوگند یاد می‌شود
۱۸۵	۴-۸-۲- شکستن پیمان و عواقب آن
۱۹۰	۴-۹- غسل

۱۹۲	۴-۱۰- کستی
۱۹۴	۴-۱۱- موبدان
۲۰۱	۴-۱۲- نیایش
۲۰۶	۴-۱۳- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۰۷	فصل پنجم
۲۰۷	۵- شخصیت‌های زردشتی در شاهنامه
۲۰۸	۵-۱- کیخسرو
۲۰۸	۵-۱-۱- هنگ افراسیاب و چیچست
۲۱۱	۵-۱-۲- جاودانگی کیخسرو
۲۱۳	۵-۲- اسفندیار
۲۱۶	۵-۲-۱- دلیل نبرد اسفندیار با رستم
۲۱۹	۵-۳- اسکندر
۲۲۲	۵-۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۲۵	فصل ششم
۲۲۵	۶- دیگر عناصر زردشتی شاهنامه
۲۲۵	۶-۱- البرز
۲۲۷	۶-۲- دماوند
۲۲۷	۶-۳- سیمرغ
۲۳۰	۶-۴- کنگ‌دز
۲۳۴	۶-۵- گاو و گرزه‌گاوسار
۲۳۶	۶-۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۲۳۷	دست‌نویس‌های شاهنامه
۲۳۹	منابع و مآخذ
۲۵۵	نمایه

<i>Ag</i>	<i>Aogāmadaēca</i>
<i>ArW</i>	<i>The book of Ardā Wīrāf</i> (ed & tr. Haug-West)
<i>BSOAS</i>	<i>Bulletin of the School of Oriental and African Studies</i>
<i>Dd</i>	<i>Dādestān ī Dēnīg</i>
<i>Dk</i>	<i>Dēnkard</i>
<i>DkM</i>	<i>Dēnkard</i> (ed. Madan)
<i>Elr</i>	<i>Encyclopaedia Iranica</i>
<i>GBd</i>	<i>Greater Bundahishn</i> (tr. Anklesaria)
<i>KZ</i>	<i>Ka'ba-ye Zardušt</i>
<i>ŠgV</i>	<i>Škand-Gumānīg Wizār</i>
<i>ŠNŠT</i>	<i>Šāyest-nē-Šāyest</i> (ed & tr. Tavadia)
<i>ŠNŠW</i>	<i>Šāyest-nē-Šāyest</i> (ed & tr. West)
<i>Vd</i>	<i>Vendidad</i>
<i>WZ</i>	<i>Wizīdagīhā ī Zādspram</i> (ed.& tr. Gignoux & Tafazzoli)
<i>Y</i>	<i>Yasna</i>
<i>Yt</i>	<i>Yašt</i>
<i>ZDMG</i>	<i>Zeitschrift der deutschen morgenländischen Gesellschaft</i>
<i>ZWYA</i>	<i>The Zand ī Wahman Yasn</i> (ed. & tr. Anklesaria)
<i>ZWYC</i>	<i>The Zand ī Wahman Yasn</i> (ed. & tr. Cereti)

مقدمه

شاهنامه اثر جاویدان ابوالقاسم فردوسی بزرگ‌ترین اثر حماسی مردمان فارسی‌زبان است. شاهنامه گذشته اساطیری و تاریخی ایرانیان را از آغاز خلقت جهان تا ورود اسلام به ایران در سده هفتم میلادی توصیف و بیان می‌کند. در خلال اشعار و داستان‌های این اثر، توضیحات، توصیفات و نکات ارزشمندی در مورد باورها، آیین‌ها، سنت‌ها و رفتار ایرانیان قبل از ظهور اسلام و روابط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنها با دیگر ملت‌ها وجود دارد.

پاره‌ای از این موضوعات در طول دهه‌های اخیر بارها در شاهنامه فردوسی بررسی شده‌اند. محققان و پژوهشگرانی همچون ثنودور نلدکه، رابرت چارلز زنر، ذبیح الله صفا، محمد معین، مری بویس، فیروز کوتوال، علیرضا شاپور شهبازی، جلیل دوستخواه، جلال خالقی مطلق، محمود امیدسالار، جلال متینی، و دیگران، در پژوهش‌های فاضلانه خود بعضی از قسمت‌ها و جنبه‌های مذهبی این اثر حماسی را به صورت پراکنده و موردی بررسی و تحلیل کرده‌اند. با وجود این، تاکنون تمام متن شاهنامه به صورت کامل با توجه به شواهد و اسناد زردشتی موجود، مطالعه نشده و پژوهش همه‌جانبه و مستقلی در مورد ظهور زردشت، باورها و آیین‌های زردشتی انجام نشده است.

پژوهش حاضر در تلاش است تا موارد مذکور را بررسی کند و به سؤالات و ابهاماتی که در زمینه کیفیت بازتاب دین زردشتی^۱ در شاهنامه وجود دارد، پاسخ گوید. از دیگر مسائلی که کاوش خواهد شد، منابع مورد استفاده شاهنامه و میزان تغییرات و تعدیلاتی است که شاعر در مطالب مورد استفاده‌اش، پدید آورده است. در واقع این پژوهش در صدد است تا نشان دهد که اطلاعات فردوسی تا چه اندازه بر اساس واقعیت‌های زردشتی است، در چه مواردی فرآیند تطبیق عناصر زردشتی با حساسیت‌های اسلامی (که در زمان شاعر وجود داشته) صورت گرفته و در چه بخش‌هایی اطلاعات فردوسی در مورد دین زردشتی نادرست است.

۱. در این پژوهش، تمایزی بین اصطلاحات Zarathushtrism، Zarathusticism و Zoroastrianism که توسط ایلیا گرشویچ برای دسته‌بندی تعالیم زردشتی در دوره‌های مختلف استفاده شده، وجود ندارد. منظور از Zarathushtrism تعالیم اصلی زردشت هستند که در گاهان آمده‌اند، اصطلاح Zarathusticism آموزه‌های زردشتی را مد نظر قرار می‌دهد که در متون اوستایی متأخر آمده و اصطلاح Zoroastrianism تعالیم دینی زردشتی را شامل می‌شود که در دوره ساسانی رواج داشته است (Gershevitch 1968: 12). در این کتاب منظور ما از دین زردشت و دین زردشتی، همه اطلاعات موجود در مورد این دین از همه دوره‌هاست، و خوانندگان با توجه به ذکر منبع روایت‌های زردشتی در متن اصلی این پژوهش و پانوشته‌های آن، قادر به تشخیص مرجع اصلی روایت‌ها خواهند شد.

علاوه بر موارد مذکور، تحقیق حاضر وضعیت دین زردشتی در شاهنامه را با توجه به دو مسئله دانش واقعی و اعتقادات عامیانه که در مورد این دینان، عمدتاً در فرهنگ اسلامی به وجود آمده بود، ارزیابی می‌کند؛ به این معنا که روش‌های مورد استفاده شاعر برای تطبیق و سازگار کردن جنبه‌های سنتی روایات زردشتی با حساسیت‌های اسلامی و چگونگی آمیختگی یا جایگزینی باورهای زردشتی با اعتقادات اسلامی، تفحص و تحلیل خواهد شد. انجام دادن مراحل فوق این امکان را فراهم می‌آورد تا کیفیت و مقدار تغییراتی را که شاعر در مطالب کهن اعمال کرده، دریابیم و آنها را شناسایی کنیم.

دلیل انتخاب و اهمیت شاهنامه برای پژوهش حاضر به این مسئله باز می‌گردد که این اثر حماسی مهم‌ترین متن اسطوره‌ای-تاریخی موجود در رابطه با ایران باستان به زبان فارسی است که به صورت گسترده‌ای فرهنگ و ادبیات فارسی را از زمان سروده شدنش تاکنون تحت تأثیر خود قرار داده است. شاهنامه فردوسی در ایران اسلامی در سده چهارم هجری قمری سروده شده، اما چارچوب زمانی روایت‌های آن مربوط به قبل از اسلام است. این اثر حماسی با وجود اینکه تا حدودی جهانی‌بینی زردشتی را بازتاب می‌دهد و شامل تاریخ مردمان باستان و داستان‌هایی در مورد شاهان و پهلوانان زردشتی است، تاکنون به صورت گسترده‌ای مورد توجه تمام فارسی‌زبانان اعم از مسلمان و زردشتی قرار گرفته است.

بعد از ورود اسلام به ایران، به دلیل فشار گسترده حاکمان متعصب، به نظر می‌رسد که حتی نوشتن در مورد داستان‌های کهن ایران با دشواری‌هایی همراه بوده است. در آن مقطع زمانی، روایات کهن در بین ایرانیان مسلمان به مرور کم رنگ شده بود چرا که آنها تقریباً مدت چهار قرن از دین و آداب و رسوم رایج در بین اجداد باستانی خود فاصله داشتند. علاوه بر آن، فرزندان و نخبگان مسلمان در آن زمان جنبه‌های مختلفی از دین ایرانیان قدیم را مورد نقد و انتقاد قرار می‌دادند.^۱ فردوسی در این اوضاع و احوال، شاهنامه را به روشی سرود که تاریخ و داستان‌های باستانی را برای مردمان ایرانی (مسلمان) پذیرفتنی کرده، به گونه‌ای که آنها تقریباً از زمان سروده شدن این اثر تاکنون، علاقه و توجه شایانی نسبت به آن نشان داده‌اند.

توجه فارسی‌زبانان به مطالب شاهنامه به ویژه هنگامی شایان توجه و مهم است که آن را با آثار مشابهی همچون بعضی از مطالب اوستای نو و متون پهلوی از یک طرف و بعضی از کتاب‌های نگارش یافته در دوره اسلامی به مانند غرر/خبر ثعالبی، که در زمانی نزدیک به فردوسی نگاشته شده‌اند، از طرف دیگر مقایسه کنیم. مطالب این منابع در مورد اساطیر و تاریخ باستانی ایران (جدای از دیدگاه و حجم مطالب آنها) تا حد زیادی با هم شباهت دارد، اما از بین آنها، شاهنامه تنها اثری است که برای همه ایرانیان شناخته شده است و ذهن و فکر آنان را تحت تأثیر قرار داده، به گونه‌ای که تا دوران معاصر

هم، ایرانیان آن را با عنوان حماسه ملی خویش می‌شناسند. با توجه به این توضیحات، از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، شناسایی و تحلیل روش‌هایی خواهد بود که فردوسی از طریق آنها تلاش کرده تا روایات زردشتی را با حساسیت‌های اسلامی سازگار کند.

دشواری اصلی‌ای که این تحقیق پیش رو داشت، مربوط به منابع زردشتی است. امروزه با وجود تحقیقات بسیار زیاد، به دلیل قدمت این دین و از بین رفتن قسمت اعظم متون مقدس آن، اطلاعات کافی وجود ندارد. بنابراین تحقیق و بررسی در این زمینه با مشکلاتی همراه است. افزون بر این، بیشتر متون زردشتی موجود، باقیمانده، از دوره ساسانی است و در حلقه‌های موبدی تألیف شده‌اند، بنابراین استفاده از آنها باید با دقت و وسواس بیشتری صورت گیرد. در این پژوهش، گاه به دلیل فقدان اطلاعات لازم در متون باقیمانده زردشتی، امکان ابراز نظر در مورد برخی از باورها و آیین‌های مذکور در شاهنامه وجود ندارد. به عبارت دیگر موارد جدیدی از باورها و آیین‌ها در شاهنامه وجود دارد که به دلیل نبود شواهد زردشتی، نه می‌توان آنها را غیر زردشتی دانست و نه می‌توان آنها را به عنوان بخشی از تعالیم دین زردشتی تأیید کرد.

برای این پژوهش متن شاهنامه به صورت کامل بررسی شده؛ زیرا در این اثر دین زردشتی، به عنوان مذهب رسمی تمام دوره‌های اساطیری و تاریخی قبل از اسلام در ایران معرفی شده است. به این معنا که اگر چه شاعر داستان ظهور زردشت را در دوره پادشاهی گشتاسب کیانی ذکر می‌کند، تفاوتی بین توصیفات دینی او از باورها و آداب و رسوم زردشتی در دوره پیش از زردشت و دوره زردشتی وجود ندارد. این مجموعه مشتمل بر مقدمه و شش فصل است که به ترتیب عبارتند از فردوسی و شاهنامه، ظهور زردشت، باورهای زردشتی، آیین‌های زردشتی، شخصیت‌های زردشتی و دیگر عناصر زردشتی شاهنامه. در فصل نخست اطلاعاتی کلی در مورد فردوسی و حماسه او شاهنامه ارائه شده است. در این فصل شخصیت دقیقی، مذهب و مسئله انتساب داستان ظهور زردشت به او بررسی شده است. قسمت آخر این فصل به بررسی منابع مورد استفاده فردوسی برای سرودن شاهنامه اختصاص دارد. در این قسمت تلاش شده تا بر اساس بررسی‌های مرتبط با بن‌مایه‌های دینی شاهنامه در فصل‌های مختلف، در مورد منابع این اثر حماسی نکات جدیدی مطرح شود، که در نوع خود گامی نو قلمداد می‌شود و تاکنون آن گونه که باید مورد توجه محققان این حوزه قرار نگرفته است.

در فصل دوم به ظهور زردشت و پذیرفته شدن دین او توسط گشتاسب پرداخته‌ایم که به جنگ مذهبی ایران و کشور همسایه‌اش توران منجر شده است. در این قسمت توصیفات شاهنامه از این جنگ با روایات زردشتی باقیمانده مقایسه شده و سپس درباره بازگشت گشتاسب به کشورش و برقراری آموزه‌های زردشت در ایران بحث شده است. مباحثی همچون اوستا در شاهنامه، اصطلاحات «دین به» و «دین پاک» از دیگر موضوعات مورد بحث در این فصل بوده‌اند.

فصل‌های سوم و چهارم به ترتیب، باورها و آیین‌های زردشتی را در شاهنامه بررسی کرده است. در این فصل‌ها، تمامی باورها و آیین‌های زردشتی در شاهنامه بدون تمایز بین دوره قبل از زردشت و دوره زردشتی بررسی و تحلیل شده‌اند.

در فصل پنجم تلاش شده است تا حوادث و نکات مرتبط با شخصیت‌های مذکور در شاهنامه (که تاکنون کمتر مورد توجه محققان این حوزه قرار گرفته) در سایه منابع باقیمانده زردشتی کاوش و تحلیل شود. فصل ششم به دیگر عناصر زردشتی شاهنامه اختصاص دارد و با استفاده از روایات زردشتی موجود به تحلیل آنها می‌پردازد. شایان توضیح است که گنجاندن این مطالب در این فصل از پژوهش، نه به دلیل پیوستگی و ارتباط منطقی و مفهومی بین آنها، بلکه تنها به دلیل ارتباط این عناصر با دین زردشتی است.^۱

اصلی‌ترین متن شاهنامه که در این مجموعه استفاده شده، شاهنامه تصحیح جلال خالقی مطلق در ۸ مجلد است. یکی از امتیازات بسیار مهم تصحیح مذکور این است که در آن از دوازده دستنویس اصلی و چهار دستنویس غیراصلی استفاده شده است^۲ و خواننده علاوه بر متن تصحیح شده، می‌تواند از متن شانزده دستنویس دیگر هم (که به صورت پانویس در آن گنجانده شده‌اند) استفاده کند.^۳

در کنار تصحیح خالقی مطلق و دستنویس‌های اصلی و غیراصلی مذکور در پانویس‌های اثر او، از تصحیح‌های دیگری به مانند چاپ مسکو^۴ هم گاه در این پژوهش استفاده شده است. دلیل اصلی این امر مربوط به مفاهیم زردشتی مذکور در ابیات این آثار است که برای بحث حاضر مهم به شمار می‌آیند. به سخن دیگر دلیل اصلی استفاده از موارد مذکور تلاش برای بررسی همه جانبه عناصر و مفاهیم زردشتی در دستنویس‌ها و تصحیح‌های مذکور از این اثر حماسی است. توضیح اینکه در دستنویس‌ها و چاپ مسکو گاه ابیاتی وجود دارد که در آنها واژه‌ها و اصطلاحات متفاوتی استفاده شده و این مفاهیم در بردارنده عناصری از دین زردشتی است یا نکاتی در ارتباط با آن را بازتاب می‌دهد.

مؤلف هر جایی که به نقل بیت یا توضیحی از دستنویس‌ها و چاپ مسکو می‌پردازد، ابتدا به روشنی آن را بیان می‌کند و یا به روشی که پس از این توضیح داده می‌شود، آن را متمایز می‌کند تا خواننده خود تشخیص دهد که موارد مذکور از تصحیح اصلی خالقی مطلق نقل نشده است.

شماره بیت‌های مذکور در این کتاب، بر اساس شاهنامه تصحیح خالقی مطلق است. علامت ستاره (*) در ابتدای ابیات نشان می‌دهد که بیت ذکر شده در تصحیح خالقی مطلق الحاقی است. ابیاتی که

۱. بخش‌هایی از کتاب حاضر پیشتر به زبان انگلیسی منتشر شده است (ر.ک. Ghazanfari, 2011).

۲. تقسیم دستنویس‌ها به اصلی و غیراصلی از خالقی مطلق نقل شده است.

۳. فهرست دستنویس‌ها، تاریخ و علامت اختصاری آنها در پیوست این کتاب موجود است.

۴. در ۹ مجلد از تاریخ ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۱.

مقدمه □ ض

در داخل پرانتز () هستند از نظر تصحیح خالقی مطلق مشکوک و نامفهوم هستند. بعضی از واژه‌ها و اصطلاحات زردشتی، گاه به بیش از یک شکل نوشته شده‌اند که بر اساس شکل نوشتار آنها در فارسی میانه و فارسی جدید است.

فصل اول

۱- فردوسی و شاهنامه

۱-۱- فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی در سده‌های چهارم و پنجم هجری قمری می‌زیست. او سراینده شاهنامه، حماسه ملی ایرانیان و یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های حماسی دنیاست. از دیدگاه تاریخی اطلاعات دقیق و مطمئنی از زندگانی فردوسی در دست نیست. اخباری که از شاهنامه و مقدمه^۱ دستنویس‌های مختلف آن به دست می‌آید، اغلب قابل اعتماد نیستند و تفاوت‌های چشمگیری با هم دارند.

نام واقعی فردوسی مشخص نیست. منابعی که در زمان‌های بعد نوشته شده‌اند، نام‌های مختلفی را ذکر می‌کنند. به‌عنوان نمونه حمدالله مستوفی^۲ و دولتشاه سمرقندی^۳ نام او را حسن ذکر می‌کنند؛ در حالی که در مقدمه قدیم شاهنامه^۴ و مقدمه بایسنقری^۵ که به دستور بایسنقر (۸۳۷-۸۰۲ ه.ق) نوشته شده، نام او به صورت منصور آمده است.^۶ فردوسی^۷ تخلص شاعر است که در شاهنامه ذکر شده است:

۳- به فردوسی آواز دادی که می
مخور جز بر آیین کاوس کی، (ج: ۵: ۷۵)^۸

اغلب منابع بعدی در مورد کنیه او «ابوالقاسم» و مکان تولدش طوس اتفاق نظر دارند.^۹ به نظر می‌رسد که او در ۳۲۹ ه.ق متولد شده است.^{۱۰} دوران نوجوانی شاعر هم‌زمان با شاهان سامانی است که

۱. علاوه بر دیباچه‌ای که توسط خود شاعر سروده شده و در ابتدای شاهنامه وجود دارد، چند مقدمه دیگر به مانند «مقدمه

بایسنقری» و «مقدمه قدیم شاهنامه» هم در ابتدای دستنویس‌های مختلف شاهنامه موجود است.

۲. حمدالله مستوفی ۱۳۶۴: ۷۴۳.

۳. سمرقندی ۱۹۰۱: ۵۰.

۴. قزوینی ۱۳۱۳: ۵۱.

۵. نگارش نسخه بایسنقری شاهنامه به دستور شاهزاده تیموری، غیاث الدین بایسنقر (نوه تیمور) در تاریخ ۸۲۹ ه.ق آغاز و در ۸۳۳ تکمیل شد. نسخه بایسنقری، آن‌گونه که در خود مقدمه آمده، از مقایسه دستنویس‌های مختلف شاهنامه فراهم آمده است (ر.ک. Khaleghi-Motlagh 1990: 9-11).

۶. دبیرسیاقی ۱۳۸۳: ۲۰۱-۱۵۸؛ همچنین ر.ک بنداری: ۳.

۷. فردوس در زبان فارسی به معنای بهشت است، که واژه انگلیسی *paradise* هم از آن استخراج شده است.

۸. همچنین ر.ک. شاهنامه * ج ۵: ۱۷۴، بیت ۵: * ج ۳: ۳۹۷، بیت ۳.

۹. ر.ک نظامی عروضی سمرقندی ۱۹۰۱: ۷۸؛ سمرقندی ۱۹۰۱: ۵۰.

۱۰. ر.ک. صفا، ۱۳۳۵: ۴۵۹-۴۶۲؛ همان، ۱۳۷۹: ۱۷۲؛ ۵۱۵-۵۱۴: Khaleghi-Motlagh, 1999a.

از جمله حامیان زبان و ادب فارسی بوده‌اند. فردوسی در مورد خانواده‌اش توضیح زیادی نمی‌دهد؛ او فقط به مرگ پسر سی‌وهفت ساله‌اش اشاره می‌کند. در منابع دیگر داستان‌هایی در مورد خانواده او ذکر شده است که به‌نظر زیاد قابل اعتماد نیستند.^۱ فردوسی از طبقه دهقانان^۲ بوده است که در زمان او ملاکان صاحب زمین و حافظان و پاسداران فرهنگ، سنت و روایات ملی به شمار می‌آمده‌اند.^۳ او شماری از روایات اثرش را به این مردمان نسبت می‌دهد:

۱۵۸۳- چُن این داستان بشنوی، یادگیر ز گفتارِ گوینده دهقانِ پیر! (ج ۷: ۲۲۰)

به‌نظر می‌رسد که شاعر در آغاز سرایش شاهنامه، مشکل مالی چندانی نداشته است، اما به مرور زمان و بنا به صرف وقت در به‌شعر درآوردن شاهنامه و نداشتن شغلی دیگر، مشکلات مالیش شروع شده است. هنگامی که او امیدش را برای دریافت پاداش از سلطان محمود^۴ از دست می‌دهد، در این مورد به گله و شکایات متعددی می‌پردازد.^۵

فردوسی به‌روشنی در مورد مذهبش سخنی نمی‌گوید، به این دلیل نظرهای متفاوتی در این مورد وجود دارد. به عنوان نمونه شیعه زیدی، اسماعیلی و دوازده امامی، سنی و زردشتی^۶ مواردی هستند که در مورد مذهب او توسط پژوهشگران مختلف ذکر شده‌اند. بر اساس مطالب شاهنامه در مورد مفهوم خداوند^۷ و بر اساس مقدمه این اثر، که در آن شاعر از بعضی از آیات قرآنی و روایات اسلامی استفاده کرده، تا حدی روشن می‌شود که او مسلمان بوده است. ابیات او در مورد امام علی و استفاده از تمثیل «دریا و هفتاد و یک کشتی»^۸ شاید نشان شیعی بودن او باشد. در چهار مقاله^۹ ذکر شده است که او مسلمانی شیعه مذهب بوده است.^{۱۰}

۱. ر.ک. نظامی عروضی سمرقندی ۱۹۰۱: ۷۸-۸۰، ۸۲-۸۴، ۸۸؛ برای آگاهی بیشتر از این موضوع ر.ک. دبیرسیاقی ۱۳۸۳: ۲۳.

۲. ر.ک. نظامی عروضی سمرقندی ۱۹۰۱: ۷۸.

۳. Mohl vol. 1: VII; Nöldeke 1963: 440; ۶۲-۶۴؛ صفا ۱۳۷۹: ۶۲-۶۴

در فارسی نو دهقان به معنای کشاورز است. در زمان فردوسی دهقان طبقه‌ای از زمیندارن مرفه بودند که نفوذ زیادی در منطقه محل زندگی خود داشته‌اند. برای آگاهی از اهمیت دهقانان در آن مقطع زمانی ر.ک. Builiet 1972

۴. برای آگاهی از مباحث مربوط به این موضوع ر.ک. Khalegh-Motlagh 1999a

۵. برای توضیح کامل این موضوع ر.ک. Nöldeke 1896-1904: 158-9; Khaleghi-Motlagh 1999a

۶. مؤلف در پژوهشی دیگر دلایل مختلفی را با استناد به باورها و آیین‌های زردشتی شاهنامه ارائه کرده که نشان می‌دهد فردوسی زردشتی نبوده است (برای توضیح بیشتر ر.ک. غضنفری ۱۳۹۳: ۱۹۷-۲۱۳).

۷. ر.ک. فصل ۳.

۸. پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) فرمودند: «مَثَلُ اهل بیت من در اتم مثل کشتی نوح است که هرکس سوار آن شد نجات یافت و هرکس از سوار شدن بر آن کوتاهی کرد، هلاک گردید.» (مجلسی ۱۴۰۳ ج ۲۳: ۱۲۰؛ ج ۳۹: ۲۵۳؛ ج ۱۰۴: ۱۹۰).

۹. ۸۴؛ همچنین ر.ک. قزوینی رازی ۱۳۳۱: ۲۵۱-۲؛ Khaleghi-Motlagh ibid

۱۰. برای آگاهی و بحث بیشتر در مورد مذهب فردوسی ر.ک. Shahbazi 1991: 49-59؛ محیط طباطبایی ۱۳۵۷: ۲۳۲-۲۴۰.

مانند تولد، زمان مرگ او هم مشخص نیست؛ در مقدمه بایسنقری، سال ۴۱۶ ه.ق ذکر شده است، اما دولت‌شاه سمرقندی مرگ او را در سال ۴۱۱ ه.ق می‌داند.^۱ در بعضی منابع مانند چهارمقاله،^۲ اسرار نامه^۳ و ظفرنامه^۴ داستانی در مورد مرگ فردوسی نقل شده است که بیشتر به افسانه شباهت دارد تا اطلاعات واقعی. بر این اساس واعظی از طبرستان فردوسی را رافضی نامیده و جنازه او به این دلیل اجازه تدفین در قبرستان مسلمانان را نیافته است.^۵

علاوه بر شاهنامه هجونه‌ای علیه سلطان محمود هم به فردوسی منسوب است و آن‌گونه که نظامی عروضی^۶ گفته «شامل صد بیت می‌شده که فقط شش بیت از آنها باقی مانده است».^۷ بعضی از نسخه‌های این هجونه موجود است که از ۳۲ تا ۱۶۰ بیت را شامل می‌شوند.^۸ پاره‌ای از غزلیات پراکنده منسوب به فردوسی هم توسط هرمان اته در سده نوزدهم جمع‌آوری و به زبان آلمانی ترجمه شده است.^۹

۱-۲- شاهنامه

شاهنامه مجموعه‌ای حماسی است که شامل وقایع و دستاوردهای شاهان باستانی ایران است. این اثر با پادشاهی گیومرت آغاز می‌شود و تا یزدگرد سوم آخرین شاه ساسانی ادامه می‌یابد که با حمله اعراب در سال ۶۵۱ م. تاج و تخت خود را از دست داد.

شاهنامه شامل افسانه‌ها و اساطیر ملی، داستان‌های پهلوانی، وقایع تاریخی، داستان‌های مربوط به شاهان و شاهزادگان، رفتار و کردارهای ایرانیان، اعتقادات و آداب و رسوم آنان و حوادث مربوط به رویارویی آنان با دیگر ملت‌های جهان می‌شود. این روایات با داستان‌های مربوط به رستم و خانواده‌اش

۱. سمرقندی ۱۹۰۱: ۵۴.

۲. نظامی عروضی سمرقندی ۱۹۰۱: ۸۶-۸۸.

۳. ر.ک. عطار ۱۳۳۸: ۱۸۹.

۴. حمدالله مستوفی ۱۳۷۷: ۷-۸.

۵. نظامی عروضی سمرقندی همان.

۶. نظامی عروضی سمرقندی همان: ۸۴.

۷. برای آگاهی بیشتر از این هجونه ر.ک. Khaleghi-Motlagh 1999b: 523-4.

۸. این هجونه بوسیله ژول مول به زبان فرانسه (XXXVI-XXXIX: 1838-78) و وارنر به زبان انگلیسی (1906 vol. 1: 40-) و ترجمه و منتشر شده است.

۹. ر.ک. Ethé 1872-3 II & III: افزون بر موارد مذکور، مجموعه‌ای دیگر با عنوان «شئوی یوسف و زلیخا» نیز برای نخستین بار توسط مؤلف مقدمه بایسنقری به فردوسی نسبت داده شده؛ که امروزه بیشتر محققان این نسبت را نمی‌پذیرند (ر.ک. Shahbazi 1991: 14; Ethé 1889: 20-45; صفا ۱۳۷۹: ۱۷۵؛ همان ۱۳۳۵: ۴۸۸-۹۲؛ مینوی ۱۳۲۵: ۱۶-۳۶؛ همان ۱۳۴۶: ۹۵-۱۲۵).

(که احتمالاً اصل آنها از سیستان در شرق ایران بوده) و دیگر داستان‌های عاشقانه و غیره در هم‌آمیخته شده است.^۱

آن‌گونه که در این کتاب توضیح خواهیم داد، شاعر این داستان‌ها را از منابع مختلفی اخذ کرده است اما به‌نظر می‌رسد ترتیب، نظم و توالی تاریخی آنها حاصل تلاش خود شاعر بوده است. فردوسی خود شمار ابیات شاهنامه را ۶۰،۰۰۰ بیت ذکر کرده است:

۳۳۸۹- بود بیت^۲ شش بار بیور^۳ هزار سخن‌های شایسته و غمگسار! (ج ۸: ۲۵۹)

در دستنویس‌های موجود تعداد ابیات بین ۴۸،۰۰۰ تا ۵۵،۰۰۰ است،^۴ بنابراین به‌نظر می‌رسد که عدد ۶۰،۰۰۰ در این مورد رقمی تقریبی است.

نام این کتاب، یعنی شاهنامه توسط فردوسی در اثرش ذکر نشده است. او این اثر را نامه، نامه باستان، نامه پارسی، نامه شاهوار، نامه نامور شهریار، نامه شهریاران پیش و نامور نامه می‌نامد.^۵ در زمان‌های بعدی این اثر شاهنامه نامیده شده است. اصطلاح شاهنامه به‌نظر می‌رسد در اواسط سده سوم هجری معمول شده است و این نام در آن مقطع زمانی در زبان فارسی به مانند سیرالملوک در زبان عربی، برای هر گونه کتاب نثر یا نظم که تاریخ و داستان‌های فارسی را در برداشته، استفاده می‌شده است.^۶ در این مورد در مقدمه قدیم شاهنامه آمده است که:

«و این را شاهنامه نام نهادند تا خداوندان دانش اندرین نگاه کنند و فرهنگ شاهان و مهتران و فرزنگان و کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آیین‌های نیکو و داد و داوری و رای و راندن کار و ساز پادشاهی و نهاد و رفتار ایشان و آیین‌های نیکو و داد و داوری و رای و راندن کار و سپاه آراستن و رزم کردن و شهر گشادن و کین خواستن و شیخون کردن و آزرمت داشتن و خواستاری کردن، این همه را بدین نامه اندر بیابند. پس این نامه شاهان گرد آوردند و گزارش کردند و اندرین چیزهاست که قبه گفتار مر خواننده را بزرگ آید و هر کسی دارند تا از او فایده گیرند و چیزها اندرین نامه بیابند که سهمگین نماید و این نیکوست، چون مغز او بدانی و ترا درست گردد، چون: دستبرد آرش و چون

۱. بر اساس ترتیب زمانی سلسله پادشاهان شاهنامه عبارتند از پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان. از سلسله‌های تاریخی ماد و هخامنشی در این اثر ذکری نیست. برای آگاهی از دلایل احتمالی نبود این سلسله‌ها در شاهنامه ر.ک. یارشاطر ۱۳۶۳: ۱۹۱-۲۱۳.

۲. در شاهنامه تصحیح مسکو مصراع اول این بیت به این صورت است: «بود بیست شش بار بیور هزار»، که به‌نظر می‌رسد تصحیح درستی از آن صورت نگرفته است و واژه «بیت» باید جایگزین واژه «بیست» شود.

۳. بیور در زبان فارسی به معنای ده هزار است.

۴. تنها استثنا دستنویس لومسدن است که ۶۰،۰۰۰ هزار بیت را شامل می‌شود.

۵. ر.ک. مینوی ۱۳۸۳: ۴۵-۴۷.

۶. تقی زاده ۱۹۲۰ (پ): ۹۰-۹۱.

همان سنگ کجا آفریدون به پای بازداشت و چون ماران که از دوش ضحاک برآمدند. و این را شاهان کارنامه از بهر دو چیز خوانند: یکی از بهر کارکرد و رفتار و آیین شاهان تا بدانند و در کدخدایی با هر کس بتوانند ساختن و دیگر که اندرو داستان‌هاست که هم به گوش و هم به کوشش خوش آید. که اندرو چیزهای نیکو و با دانش هست همچون پاداش نیکی و پادافره بدی ...^۱

امروزه نزدیک به ۲۵۰ دستنویس متفاوت از شاهنامه در سراسر دنیا وجود دارد. تاریخ این دستنویس‌ها از سده هفتم تا دهم ه.ق است.^۲ دلیل این تنوع را باید در تغییرات آگاهانه یا ناآگاهانه‌ای دانست که شاهنامه دستخوش آنها شده است.^۳ قدیمی‌ترین دستنویس موجود، که تنها قسمت اول شاهنامه را شامل می‌شود تاریخ سال ۶۱۴ ه.ق یعنی دو قرن بعد از مرگ شاعر را دارد که در کتابخانه لورنتین در شهر فلورانس در سال ۱۹۸۰ توسط انجلو میکله پیه مونته‌سناسایی شد.^۴ خالقی مطلق این دستنویس را معتبرترین دستنویس شاهنامه می‌داند.^۵

بر اساس دستنویس‌های متفاوت، سرایش شاهنامه ۳۵ سال به طول انجامیده و برای زمان کامل شدن آن تواریخ مختلفی به مانند ۳۸۴، ۳۸۹ و ۴۰۰ ه.ق ذکر شده است. اما از آنجا که بیشتر دستنویس‌ها و خود شاعر سال ۴۰۰ هجری قمری را ذکر می‌کنند، بنابراین، به نظر می‌رسد که معتبرترین تاریخ همان باشد:

۸۹۳- سرآمد کنون قصه‌ی یزدگرد به ماه سپندارمذ روز ِرد، (ج ۸: ۴۸۸)

ز هجرت شده پنج هشتاد بار به نام جهان داور کردگارا

به تقریب همزمان با شاهنامه، آثار زیادی در مورد تاریخ ایران نوشته شده است. از بین آنها، مطالب غرر/اخبار که توسط ثعالبی (۳۵۰-۴۲۹ ه.ق) تألیف شده، بیشترین شباهت را با شاهنامه دارد و به این دلیل بعضی از محققان همچون صفا،^۷ نلدکه^۸ و زوتنبرگ^۹ معتقدند که فردوسی و ثعالبی احتمالاً از منبع مشترکی به نام شاهنامه/بومنسوری^{۱۰} استفاده کرده‌اند.

۱. قزوینی ۱۳۱۳: ۲۷-۸؛ Minorski 1956: 266-67

۲. خالقی مطلق ۱۳۶۳(الف): ۳۸۰.

۳. برای آگاهی بیشتر ر.ک. همان: ۳۸۷-۴۰۶؛ همان ۱۳۶۳ (ب): ۲۴۶-۲۶۱.

۴. de Fouchécour 2006: 421؛ ۹۴-۶۳: ۱۳۶۷ خالقی مطلق

۵. ر.ک. خالقی مطلق همان.

۶. به‌عنوان نمونه می‌توان ترجمه عربی بنداری از شاهنامه و دستنویس کتابخانه ملی فرانسه در پاریس (پ) را نام برد.

۷. ر.ک. صفا ۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۰۷.

۸. ر.ک. Nöldeke 1896-1904: 82- 88

۹. ر.ک. Zotenberg 1900: 24-45؛ همچنین برای مقایسه کلی بین غرر/اخبار و شاهنامه فردوسی ر.ک. Hansen 1954

۱۰. ر.ک. صفحات بعد.

۱-۲-دقیقی

فردوسی هزار بیت از شاهنامه را، که در مورد ظهور زردشت در دوره پادشاهی کی گشتاسب و جنگ مذهبی او با ارجاسب شاه توران است، به شاعر ایرانی دیگری به نام دقیقی نسبت می‌دهد.^۱ دقیقی تخلص این شاعر است، منابع نام او را به صورت محمد بن احمد^۲ و منصور بن احمد^۳ ذکر می‌کنند که هر دو مورد تردید هستند. زادگاه او به گونه روشنی نام برده نشده است، اما آذر بیگدلی او را از اهالی سمرقند می‌داند.^۴ دقیقی در دوره سامانی شاعر بزرگی بوده که حاکمان آل محتاج و سامانی را مدح گفته است.^۵

نظریه‌های مختلفی در مورد مذهب او وجود دارد. شاعر خود در مقطع غزلی ابراز می‌دارد که در جهان مذهب زردشتی را برگزیده است.^۶ بعضی از محققان این سخن را (زردشتی بودن او) به دلیل آنکه او سرودن شاهنامه را با داستان ظهور زردشت آغاز کرده است، پذیرفته‌اند.^۷

بررسی ابیات منسوب به او در شاهنامه از دیدگاه مذهبی تردیدها و سؤالاتی را پیش می‌آورد. در این قسمت از شاهنامه موارد زیادی وجود دارد که عقاید و آداب و رسوم اسلامی جایگزین عقاید و آداب و رسوم زردشتی شده‌اند یا اینکه از قول شخصیت‌های زردشتی، باورهای اسلامی مختلفی نقل می‌شود. به عنوان نمونه شاعر ابراز می‌دارد که دخمه‌ها پر از نور مینو بودند،^۸ در حالی که در دین زردشتی دخمه مکان مقدسی نیست و در وندیداد، دخمه محل فساد و جایی است که دیوان در آنجا گرد هم می‌آیند.^۹ در مورد دیگر شاعر از جاماسب عقیده‌ای اسلامی در رابطه با مرگ نقل می‌کند و مرگ را نشانه عدالت خداوند می‌داند، در حالی که در روایات زردشتی مرگ آفریده اهریمن است. او واژه سگ را

۱. شاهنامه ج ۵: ۷۵، ابیات ۱-۱۱-۳۲-۳۷؛ ج ۵: ۱۷۵، ابیات ۱۰۳۷-۴۷.

۲. عوفی ۱۳۲۱: ۱۱.

۳. در ابتدای ابیات منسوب به دقیقی در شاهنامه دستنویس کتابخانه برلین (ب).

۴. آذر ۱۳۳۶: ۳۲؛ همچنین ر.ک. تقی زاده ۱۹۲۰ (ب): ۴۰-۴۱.

۵. برای آگاهی بیشتر در مورد دقیقی ر.ک. Khaleghi-Motlagh 1993: 132-36; Lazard 1964 I.

۶. ر.ک. دقیقی ۱۳۴۲: ۹۷؛ اسدی طوسی ۱۳۵۶: ۲۶، ۲۹.

Ethé 1875: 57; Lazard 1964 I: 141ff. vv. 21, 24, 131, 160, 185, 205, 206, 316-18

۷. تقی زاده ۱۹۲۰ (ب): ۴۸؛ معین ۱۳۲۶: ۳۱۶؛ Nöldeke ibid.: 147؛ اما خالقی مطلق این دلیل را قانع کننده نمی‌داند و

تأکید می‌کند که قبل از فردوسی، قهرمانان اصلی حماسه‌های ملی ایران گشتاسب و اسفندیار بوده‌اند نه رستم؛ اما از آنجا که گشتاسب نقش مهمی را در خدای‌نامه و شاهنامه ابومنصوری نداشته است، دقیقی سرایش اثرش را با حکومت گشتاسب شروع کرده که آغاز داستان اسفندیار هم هست (Khaleghi-Motlagh 1993: 661-2).

۸. شاهنامه ج ۵: ۸۱، بیت ۵۷.

۹. ر.ک. Vd. 7. 56-8.

مطابق دیدگاه اسلام برای خوارشمردن افراد استفاده می‌کند،^۱ در حالی که از دیدگاه زردشتیان این حیوان قابل احترام است.^۲ نمونه دیگر اینکه وقتی زیر به دست تورانیان کشته می‌شود شاعر از گشتاسب نقل می‌کند که روح زیر هم‌اکنون به بهشت رسیده است،^۳ در صورتی که در دیانت زردشتی اعتقاد بر این است که سروش در روز چهارم بعد از مرگ روح افراد را به سوی چینود پل هدایت می‌کند نه بلافاصله بعد از مرگ.^۴ اگر ابیات این قسمت مربوط به دقیقی زردشتی باشد، به نظر می‌رسد که او اطلاعات کافی در مورد مذهب زردشتی و آداب و رسوم مربوط به آن نداشته است.^۵

فردوسی شمار بیت‌های دقیقی را هزار بیت ذکر می‌کند^۶ اما منابع دیگر از ارقامی به مانند ۷۳،۰۰۰ و ۲۰،۰۰۰^۸ سخن می‌رانند. شاعر آن گونه که خود می‌گوید، ابیات دقیقی را در اثرش می‌گنجاند، اما در پایان هزار بیت، نسبت به ابیات ضعیف او به گله و شکایت می‌پردازد:

۱۰۳۳- سَخُنْ چون بدین گونه بایدت گفت مگوی و مکن رنج با طبع جفت! (ج ۵: ۱۷۵)
چو بنده روان بینی و رنج تن به کانی که گوهر نیابی مکن!

بر اساس شاهنامه، دقیقی بعد از سرودن هزار بیت به دست غلام ترکش کشته شد.^۹

آن گونه که گذشت قسمت منسوب به دقیقی، داستان ظهور زردشت است؛ به همین دلیل در مورد انتساب این قسمت به دقیقی نظرهای متفاوتی وجود دارد. نلدکه پیشنهاد می‌کند که فردوسی با وجود ادعایش در مورد ضعیف بودن ابیات دقیقی، آنها را به این دلیل در اثر خود آورده است تا موضوع حساس ظهور زردشت را در جامعه مسلمانان پیش ببرد.^{۱۰} این نظر نلدکه را (که اکنون به صورت کلی

۱. شاهنامه ج ۵: ۱۳۰، بیت ۵۸۴؛ در بخش دیگری از شاهنامه منسوب به فردوسی، این دیدگاه راجع به سگ بازتاب یافته است. کیخسرو، طوس پهلوان را به این دلیل که دستور کشتن برادرش را صادر کرده است، سگ خطاب می‌کند (ر.ک. شاهنامه ج ۳: ۱۰۷، بیت ۴۴؛ ج ۴: ۱۴، بیت ۱۷۷).

۲. ر.ک. Vd. 3.

۳. شاهنامه ج ۵: ۱۳۶، بیت ۶۵۳.

۴. برای بحث بیشتر راجع به این موضوع ر.ک. فصل ۳.

۵. خالقی مطلق با توجه به نام و کنیه‌اش و دلایل دیگر او را مسلمانی شیعی به حساب می‌آورد (ر.ک. Khaleghi-Motlagh 1993: 661-2). برای توضیح بیشتر در این مورد ر.ک. غضنفری ۱۳۹۳: ۱۹۷-۲۱۳.

۶. شاهنامه ج ۸: ۲۵۹.

۷. حمدالله مستوفی ۱۳۶۴: ۷۳۰.

۸. عوفی ۱۳۲۱: ۳۳.

۹. سال مرگ او مشخص نیست و محققان تواریخ مختلفی را مطرح کرده‌اند. در حالی که ژول مول تاریخ ۳۶۰ ه.ق را پیشنهاد می‌کند (XXX-XXXI: 78-1838) صفا سال ۳۶۸ یا ۳۶۹ ه.ق را دقیق‌تر می‌داند (۱۳۷۹: ۵۱).

10. Nöldeke 1896-1904: 149; see also Davidson 1994: 23.

پذیرفته شده است^۱) نمی‌توان به‌طور کامل نادرست دانست، زیرا در موارد زیادی در شاهنامه شاعر سعی می‌کند تا مطالب قدیمی زردشتی را که به آنها دسترسی داشته است، تعدیل و با حساسیت‌های خوانندگان مسلمانش سازگار کند. اما از طرف دیگر شواهد زردشتی موجود در شاهنامه ادعای او را تأیید نمی‌کند. در مقایسه با قسمت منسوب به دقیقی، در دیگر قسمت‌های شاهنامه مطالب بیشتری در مورد زردشت، اعتقادات و آداب و رسوم دین او آمده است. به‌عنوان نمونه در موارد زیادی از زردشت و اوستا نام به میان آمده و در رابطه با آموزه‌های زردشتی توضیح داده شده است یا اینکه شخصیت‌های زردشتی به آشکده می‌روند و برسم به دست گرفته و واژ می‌گیرند و ... به عبارت دیگر اگر مطالب مربوط به زردشت و دیانت او سبب انتساب این قسمت به دقیقی شده است و فردوسی به دلیل ترس از مردمان متعصب زمانش دست به این کار زده، چرا در دیگر قسمت‌های شاهنامه باز هم باورها و آداب و رسوم زردشتی را نام برده است و در مورد آنها توضیح می‌دهد. به هر حال با وجود اینکه به صورت کامل قادر به رد نظر نلدکه نیستیم، دلیلی که او برای این گفته خود ارائه می‌دهد با تکیه بر مطالب خود شاهنامه تأیید شدنی نیست.

فردوسی خود دلیل وارد کردن ابیات دقیقی را در اثرش چنین توضیح می‌دهد که قصد داشته است تا به این وسیله توانایی سخن‌آوری خود را به سلطان محمود عرضه دارد:

۱۰۲۹- چو این نامه افتاد در دست من به ماهی گراینده شد شست من! (ج ۵: ۱۷۵)
نگه کردم این نظم سست آمدم بسی بیت ناتندرست آمدم!
من این زان بگفتم که تا شهریار بداند سخن گفتن نابکار!

به هر صورت از یک طرف ما تاکنون شاهد و دلیل اطمینان بخشی نداریم که گفته‌های خود شاعر را در این زمینه رد کنیم و از طرف دیگر شواهد کافی در شاهنامه وجود دارد که پذیرفتن نظر نلدکه را با دشواری مواجه می‌کند. بنابراین نه مقایسه بین ابیات منسوب به دقیقی و ابیات دیگر قسمت‌ها، مشکل انتساب این قسمت از شاهنامه را حل می‌کند و نه بررسی مطالب کهنی که در هر دو قسمت به آنها ارجاع داده شده، حقیقت این امر را آشکار خواهد کرد. کوتاه اینکه این موضوع مبهم به‌نظر می‌رسد مگر اینکه شاهد مطمئنی در این زمینه یافت شود.

در پژوهشی که توسط کوروش طارمی انجام شده، یک تحلیل آماری برای مقایسه شیوه نویسندگی چهار نویسنده مختلف و اثبات نسبت نویسندگی آنها صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل آماری برای هر کدام از این متن‌ها نتیجه بخش بوده است.^۲ چنین روشی با اندکی تغییر شاید در مورد قسمت منسوب به دقیقی و مقایسه آن با متن فردوسی هم صورت گیرد. اما در هر

۱. برای آگاهی از نظرهای مختلف در این مورد ر.ک. Khaleghi Motlagh 1974: 73-93.

۲. ر.ک. Taromi 2010.

صورت نباید فراموش کرد که این روش هم به دو دلیل شاید اطمینان و قطعیت نمی‌آورد: اول اینکه هیچ دستنویس مطمئنی از شاهنامه در دسترس نیست و دوم اینکه قسمت منسوب به دقیقی نسبت به دیگر قسمت‌های شاهنامه (که از آن فردوسی است) در محتوا بیشتر مذهبی است.

۱-۳- منابع شاهنامه

بیشتر منابع مورد استفاده فردوسی تا به امروز باقی نمانده‌اند، بنابراین هر گونه بررسی و تحقیق در این زمینه با محدودیت‌ها و مشکلات جدی همراه است. مسئله منابع شاهنامه بارها توسط محققان مختلف بررسی و پژوهش شده است اما به دلیل فقدان شواهد مطمئن همچنان مسئله ای مبهم محسوب می‌شود و عقاید گوناگونی از طرف پژوهشگران بدون توافقی روشن بین آنها ابراز شده است. در این بخش ما ابتدا گفته‌های خود شاهنامه و منابع دیگر را به صورت مختصر بررسی می‌کنیم و سپس به بحث درباره میزان تغییرات احتمالی انجام یافته توسط شاعر در مطالبی که برای سرودن در اختیار داشته است، خواهیم پرداخت.

آن گونه که در دیباجة خود شاهنامه آمده هنگامی که فردوسی سرودن شاهنامه را آغاز کرد، نوشتن داستان‌ها و روایت‌های ملی و پهلوانی در ایران رایج بوده است.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد که منابع و نمونه‌های مختلفی در دسترس شاعر بوده است. در دیباجة شاهنامه، شاعر از اثری به نام نامه باستان نام می‌برد که منبع اصلی او برای سرودن شاهنامه بوده است.

۱۱۵- یکی نامه بود از گه باستان فراوان بدو اندرون داستان (ج: ۱: ۱۲)

بنا به گفته فردوسی این کتاب شامل داستان‌ها و روایت‌های زیادی می‌شده است، اما همه آنها در یک مجموعه جمع نشده و بخش‌های مختلف آن بین موبدان و دانایان پراکنده بوده است. تا اینکه مردی بزرگمنش این داستان‌ها و روایت‌های پراکنده را در کتابی گرد آورد. عنوان این کتاب توسط شاعر ذکر نشده است. در ادامه مباحث ما ابتدا به توضیح در مورد نامه باستان و سپس به کتابی که شاعر نام آن را ذکر نکرده، خواهیم پرداخت.

بر اساس شواهد باقیمانده، جمع‌آوری داستان‌ها و روایت‌های ملی از دوره ساسانی آغاز شد و گویا در زمان خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱ م.)^۲ و یا حتی پیشتر از آن از دوره پیروز (۴۸۴-۴۵۹ م.)^۳ رواج و تداول

۱. شاهنامه ج: ۱، بیت ۱۰۸.

۲. برای آگاهی از اقدامات و اصلاحات خسرو اول در جهت تقویت هویت ملی ر.ک. نامه تنسر ۱۳۱۱؛ یارشاطر ۱۳۶۳: ۹۸-۹۹.

۳. این فرضیه بر این اساس مطرح شده که پیروز پسرانش را قباد و جاماسب نام نهاد که همنام شاهان باستانی بوده‌اند و به دنبال آن قباد هم فرزندان را کاووس و جم نام گذارد (یارشاطر ۱۳۶۳: ۱۹۹).

بیشتری یافت. عوامل و دلایل موثر چندی در این دوره زمینه و شرایط را برای ترویج و تدوین داستان‌ها و روایت‌های ملی فراهم کرده بود. در عصر پیروز هپتالیان (هیاطله) به شمال و شمال شرق ایران هجوم آوردند و سبب شکست و از دست رفتن بعضی از قسمت‌های شرقی کشور شده بودند. این حوادث و وقایع موجب بحرانی جدی در زمینه هویت و سلب اعتماد مردمان قسمت‌های شرقی کشور نسبت به حاکمان ساسانی شده بود. افزون بر این، جنبش مزدک^۱ که سبب رویگردانی بسیاری از مردم از مذهب زردشتی و گرایش آنان به کیش مزدک شده بود، بحران جدی دیگری به شمار می‌آمد که اتحاد مردم را تحت تأثیر خود قرار داد.^۲ از طرف دیگر توسعه فرهنگی مانند حساسیت بیشتر نسبت به هویت ملی، نقش در حال توسعه نوشتن و احتمالاً آگاهی وسیع‌تر از تواریخ یونانی، نخبگان و روحانیون را وادار به تفکر در مورد پی‌افکندن بنیادی محکم برای تاریخ منسجم ملی کرده بود.^۳

به‌نظر می‌رسد از این مقطع زمانی به بعد، درباریان و موبدان شروع به جمع‌آوری کتابی کردند که شامل تاریخ و روایت‌های ملی ایران بود تا به این وسیله بتوانند حس ملیت را در بین ایرانیان تقویت کنند. این کتاب، تاریخ و وقایع ایران را از گیومرت تا زمان خود آنها شامل می‌شده و در آن جنگ‌های مداوم ایران و توران با جزئیات زیاد توضیح داده شده بود و تورانیان با ترکان تطبیق داده شدند.^۴

در شاهنامه ابیاتی وجود دارد که رواج روایت‌های ملی در دوره ساسانی و وجود چنین کتابی را تأیید می‌کند. بهرام چوبین زمانی که علیه هرمزد شاه، یاغی شده بود از رامشگری می‌خواهد که چامه هفتخوان اسفندیار را برای او بخواند:

۱۶۹۴- بفرمود تا خوان بیاراستند	مَی و رود و رامشگران خواستند (ج ۷: ۶۰۷)
به رامشگری گفت کامروز رود	بیارای با پهلوانی ســـــرود!
نخواهیم جز چامه‌ی هفتخان	برین مَی گساریم، لختی بخوان،
که چون شد به روین دز اسفندیار	چه بازی نمود اندر آن روزگارا

در آغاز پادشاهی خسرو دوم، پدرش هرمزد که نابینا شده بود، از او می‌خواهد که مردی داند نه نزدش بیاورد تا داستان‌های قدیم را از دفتر نوشته‌ای برای او بخواند:

۳۱- دگر آنک داند نه مردی کهن	که از شهریاران گزارد سَخُن، (ج ۸: ۶)
نبشته یکی دفتر آرد مرا	بدان درد و سختی سرآرد مرا

آن‌گونه که ذکر شد ترویج بیشتر روایت‌های ملی احتمالاً از دوران پیروز آغاز شد، اما زمان دقیق مکتوب شدن آنها در دوره ساسانی روشن نیست و به دلیل نبود شواهد کافی، هنوز جای بحث دارد. عقاید مختلفی

۱. در آغاز جنبش مزدک، قباد از او حمایت کرد (برای جزئیات بیشتر ر.ک. Klima 1957).

۲. یارشاطر ۱۳۶۳: ۱۹۱-۲۱۳؛ Boyce 1979: 127-8.

3. Kreyenbroek forthcoming.

۴. یارشاطر همان؛ Boyce ibid.

در این زمینه ابراز شده است. در مقدمه بایستقری ذکر شده است که شاهان ساسانی به ویژه خسرو اول سعی می‌کرد تا حوادث مربوط به شاهان کهن را جمع‌آوری کنند. سپس در دوره پادشاهی یزدگرد سوم، دهقان دانشور^۱ کتابی را از نوشته‌های کهن ترتیب داد. این کتاب شامل تاریخ ایران از گیومرت تا خسرو دوم می‌شد. در مقدمه قدیم شاهنامه آمده است که دو نفر به نام‌های فرخان موبدان موبد و رامین بنده یزدگرد سوم، در مورد ایران تاریخی را به نگارش درآوردند.^۲ بر اساس گفته‌های آگاثیاس اسکولاستیک (در گذشته به سال ۵۸۲ م.) در دوره خسرو اول دفترهای ثبت وقایع وجود داشت که به دقت محافظت می‌شد و نام شاهان ساسانی و حوادث زمانشان در آنها ثبت شده بود.^۳

با توجه به شواهد مذکور، بعضی از محققان اظهار می‌کنند که نوشتن روایات ملی در دوره خسرو اول آغاز شد،^۴ در حالی که دیگران به مانند نلدکه و یارشاطر این حادثه را به زمان خسرو دوم (۵۹۱-۶۲۸ م.) نسبت می‌دهند.^۵ با وجود نظر این محققان، فردوسی به وجود این کتاب در دوره بهرام گور (۴۲۱-۴۳۹ م.) اشاره می‌کند که از نظر زمانی مقدم بر دوره هر دو پادشاه مذکور است. شاعر ابراز می‌دارد که در مجلس بزم بهرام گور، داستان‌هایی از نامه باستان^۶ خوانده می‌شد:

۳۱۹- همان شاه چون مجلس آراستی همه نامه‌ی باستان خواستی (ج ۶، ۴۴۲)

فردوسی اظهار می‌دارد که شاه در مجلس بزم و در حال خواندن نامه باستان بود که هم‌زمان حادثه کفشگر که سوار بر شیری بود، رخ داد.

اگرچه گزارش‌های یاد شده جزئیات مبهمی را در بر دارند و نمی‌توان آنها را به صورت کامل پذیرفت، اما آن‌گونه که نلدکه هم ذکر می‌کند، همه این گزارش‌های مبهم، احتمالاً از یک اصل درست

۱. از این نام در دستنویس شاهنامه موزه بریتانیا سخن رفته است. بعضی از محققان نظیر نلدکه (1896-1904: 141)، ژول مول (VII: 78-1838) و هنری ماسه (6-25: 1935) با مطالب مقدمه بایستقری موافق بوده‌اند و معتقدند که دانشور وجودی تاریخی داشته است. خالقی مطلق هم ابراز می‌دارد که او نویسنده قسمتی از *خدای‌نامه* بوده است. *خدای‌نامه* از قسمت‌های مختلف تشکیل شده بود که هر قسمت آن توسط مؤلفی نگاشته شده بود. به علاوه بر اساس رسم آن زمان نام نویسنده مشهورترین قسمت به نام تمام کتاب تعمیم داده می‌شد (خالقی مطلق ۱۳۶۳: ب). اما صفا با این عقیده هم رأی نیست و دانشور را نسبتی می‌داند که برای دهقانان مورد استفاده قرار می‌گرفت (ر.ک. صفا ۱۳۷۹: ۶۱).
۲. برای آگاهی از جزئیات این موضوع ر.ک. تقی زاده ۱۹۲۰ (پ): ۸۸-۸۹.

Massé 1935: 25; Nöldeke 1896-1904: 141-2.

3. Agathias 2. 27; 4.30; Nöldeke 1963: XVI; also see Christensen 1907: 70;

در دوره ساسانی دیوانی مهم نقش محافظت از اسناد سلطنتی را بر عهده داشت و مسئولیت این دیوان در درگاه سلطنتی مقامی افتخاری بود (ر.ک. Christensen 1907: 131).

۴. تقضی ۱۳۷۶: ۲۷۰.

۵. به عنوان نمونه ر.ک. Nöldeke 1896-1904: 140-143; Nöldeke 1963: XVI; یارشاطر ۱۳۶۳: ۱۹۱.

۶. بنداری این اصطلاح را به عنوان «کتاب الملوک» ترجمه کرده است.

سرچشمه می‌گیرد و آن اینکه در دوره ساسانی کتابی تألیف شده که شامل داستان‌های شاهان ایران بوده است.^۱

بعد از سقوط دولت ساسانی، مورخانی همچون حمزه اصفهانی،^۲ مسعودی^۳ و ابن ندیم^۴ از اثری به نام *خدای‌نامه*^۵ نام می‌برند که از دوران باستان باقی مانده بود و به عنوان منبع، برای بخش‌های مربوط به ایران باستان در آثارشان از آن استفاده کرده‌اند. فردوسی هم مانند آنها از اثری به نام *نامه باستان* نام می‌برد که منبع اصلی مطالبش بوده است. شباهت‌های بسیار زیادی بین منابع مختلف اسلامی از یک طرف و بین منابع اسلامی و شاهنامه از طرف دیگر شاید نشان‌دهنده استفاده آنان از منبع یا منابع مشترکی باشد.

به هر حال *خدای‌نامه* موجود نیست، اما بر اساس شاهنامه و منابع اسلامی می‌توان استنباط کرد که نویسندگان یا نویسندگان *خدای‌نامه* بین دوره‌های اساطیری و تاریخی ایران تمایزی قائل نشده‌اند و تلاش کرده‌اند تا داستان‌های تاریخی را از گیومرت تا دوران ساسانی به گونه پیوسته‌ای تنظیم کنند. بعد از بهمن (نوه گشتاسپ) و همای (دختر بهمن) ساسانیان توسط دو پادشاه به نام‌های دارا و داراب به این تاریخ مسلسل، متصل شده‌اند.^۶ به نظر می‌رسد که از مادها و هخامنشیان در این منبع ذکری نبوده و از سلسله دوم فقط شاهی به نام داراب و پسرش دارا را می‌شناختند که توسط اسکندر کشته شده بود.^۷

بعد از ورود اسلام به ایران ابن مقفع^۸ در نیمه سده هشتم کتاب *خدای‌نامه* را به عربی ترجمه کرد که *سیرالملوک* نامیده شده است. ترجمه *سیرالملوک* به مانند اصل آن از بین رفته است. علاوه بر

1. Nöldeke 1896-1904: 141.

۲. حمزه اصفهانی ۱۸۸۴: ۱۵، ۲۴، ۶۴.

۳. مسعودی ۱۹۳۸: ۹۲.

۴. ابن ندیم ۱۸۷۲: ۱۱۸، ۳۰۵.

۵. *خوتای* (Xwaday) در زبان پهلوی به معنای شاه و نامگ (nāmag) به معنای نامه و کتاب است (ر.ک. صفا ۱۳۷۹: ۶۴-۶۶)؛ اصطلاح *خوتای‌نامگ* شبیه به شاهنامه است که بعدها اصطلاحی معمول شد. بعضی مورخان مانند حمزه اصفهانی (۱۸۸۴: ۱۵) و ابن ندیم (۱۸۷۲: ۱۲، ۱۱۸، ۳۰۵) دلیل نامیده شدن این کتاب به *خوتای‌نامگ* را مرتبط با مطالب آن می‌دانند که در مورد تاریخ شاهان بود.

۶. ساسانیان ادعا می‌کردند که از نسل کیانیان هستند.

۷. برای اطلاعات بیشتر در مورد *خدای‌نامه* ر.ک. یارشاطر ۱۳۶۳: ۱۹۲-۱۹۶؛ Shahbazi 1990: 218-223.

۸. او اصالتاً از شهر گور(فیروز آباد) بود. نام واقعی او روزبه و پدرش داذویه بود که توسط حجاج بن یوسف عامل مالیات فارس شده بود (۷۵-۸۵ ه.ق). داذویه به دلیل عدم دقت در امور مالی، توسط حجاج مورد ضرب و شتم قرار گرفت و دستش شکست. به دلیل این نقص داذویه در میان اعراب به مقفع یعنی ناقص معروف شد. تاریخ تولد ابن مقفع معلوم نیست (ر.ک. ابن ندیم ۱۸۷۲: ۱۱۸).

ترجمه ابن مقفع بر اساس نوشته‌های حمزه اصفهانی،^۱ ابن ندیم^۲ و بیرونی^۳ نه ترجمه دیگر از این اثر موجود بوده که از آن جمله می‌توان ترجمه‌های محمد بن جهم برمکی، زادویه بن شاهویه اصفهانی، محمد بن مطیار اصفهانی، هشام بن القاسم اصفهانی، بهرام بن مردانشاه (که موبدی از شهر شاپور بوده است) و بهرام بن مهران اصفهانی را نام برد.^۴ حمزه اصفهانی حتی ذکر می‌کند که بهرام موبد شهر شاپور در منطقه فارس، حدود بیست دستنویس را برای تألیف تاریخی معتبر مورد استفاده قرار داد.^۵ به هر حال تعداد ترجمه‌های *خدا/نامه* به روشنی معلوم نیست، اما با توجه به گفته‌های منابع فوق به نظر می‌رسد که ترجمه‌های مختلفی از آن وجود داشته است.

با وجود اطلاعات فوق، پ. گ. کرینبروک توضیح جدید و متفاوتی را در مورد *خدا/نامه* ارائه می‌دهد. او این امر را دور از ذهن می‌داند که اثر معتبری به مانند *خدا/نامه* به یکباره محقق شده باشد؛ بلکه بر آن است که داستان‌سرایان احتمالاً عناصر موجود در روایت‌های سنتی را به گونه خلاقانه‌ای ترکیب کردند که حکایت‌های شاهان با داستان‌های عشقی و حماسی همراه شده و در طول زمان به ظهور چارچوبی ثابت منجر شد که به نوبه خود الهام‌بخش فردوسی بود تا اطلاعاتش را به شکل یک حماسه منسجم ملی ارائه کند. او پیشنهاد می‌کند که *خدا/نامه* احتمالاً نتیجه همه تلاش‌ها برای ترکیب ژانرهای سنتی به شیوه رمان بود تا یک الگوی کم و بیش کامل مکتوب برای اثر فردوسی.^۶ این ایده نو در مورد *خدا/نامه* به نظر جالب توجه می‌آید، ولی به هر حال پذیرش چنین فرضیه‌ای نیازمند وجود شواهد کافی در این مورد است.

در دنباله مطالب *شاهنامه* در مورد *نامه باستان*،^۷ آمده است که بعد از سقوط ساسانیان نسخه‌های چندی از آن در نزد بزرگان و موبدان و دهقانان موجود بود. اما قبل از شاعر، شخصی بزرگ‌منش همه این نسخه‌ها را گرد آورد و کتابی ترتیب داد که منبع شاعر برای سرودن *شاهنامه* شد.^۸

۱. ۱۸۸۴: ۹.

۲. ۱۸۷۲: ۱۲، ۱۳، ۳۰۵.

۳. ۱۳۸۶: ۱۴۱.

۴. برای اطلاعات بیشتر در مورد این افراد ر.ک. تقی زاده ۱۹۲۰ (پ): ۹۹-۱۰۲.

۵. حمزه اصفهانی ۱۸۸۴: ۹-۱۰، ۱۹.

6. Kreyenbroek ibid.

۷. در سه بخش شاعر به صورت مستقیم کتابی مکتوب به نام *نامه باستان* را منبع خود در سرایش *شاهنامه* می‌داند (*شاهنامه* ج ۱: ۱۲، ابیات ۱۱۵-۱۶۱؛ ج ۵: ۷۵، ابیات ۱-۱۱؛ ج ۵: ۱۷۵، ابیات ۱۰۳۷-۱۰۴۵)، همچنین ر.ک. خالقی مطلق ۸-۲۰۰۷: ۲۲-۷.

۸. *شاهنامه* ج ۱: ۱۲، ابیات ۱۱۷-۱۲۴.